



۱ استفاده از تمام ظرفیت‌ها: در ابتدا توصیه می‌کند که برای بهبود وضعیت کشور، جمهوری اسلامی باید از تمام ظرفیت‌های خود استفاده کند و دست از سیاست حذف بردارد تا تمام ظرفیت سیاسی کشور به میدان بیاید. او می‌نویسد: «از ظرفیت سیاسی همه گروه‌ها برای مقاومت و دیپلماسی عمومی باید بهره برد، از تصلب ساختاری نیروی انسانی ملی باید اجتناب کرد و دست از محدودیت بر سرمایه‌های انسانی ملی برداشت.»

۲ ترس را کنار بگذارید: به حاکمیت توصیه می‌کند که برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ ترس نداشته باشد و با تکیه به مردم گام بردارد: «نظام سیاسی برای حفظ کبان کشور «اگر لازم شد» از «ابتکارات بزرگ» نهراسد؛ مردم پشتیبانی خواهند کرد. ابتکارات بزرگ باید با اتکا به قدرت نظامی -موشکی و همبستگی مردم صورت گیرد.»

۳ صداقت با مردم: راهکار دیگری که این استاد دانشگاه به مجموعه تصمیم‌گیر در کشور ارائه می‌کند، این است که با مردم صادق باشند تا مردم حرف‌ها را قبول کنند. او نوشته است: «هر ابتکاری اگر صادقانه با مردم در میان گذاشته شود و اتخاذ آن برای امنیت عمومی توجیه شود؛ مردم نیز آن را می‌پذیرند.»

۴ تغییر الزامی در صداوسیما: تغییر در صداوسیما، در بین پیشنهادهات اشترتیان هم دیده می‌شود. او نیز معتقد است برای بهبود وضعیت باید دست به تغییر گسترده در این سازمان زد. اشترتیان می‌نویسد: «رسانه ملی باید ظرفیت پخش غیرمتمرکز و خودمختار را توسعه دهد. مهم‌تر از هر چیز به تسخیر ساختاری و تصلب سیاسی آن توسط یک فرقه که همبستگی ملی را باوازه آغل استخفاف می‌کند به سرعت پایان دهد. کسانی که درک آن را ندارند که در چنین هنگامه‌ای نباید از چنان عباراتی استفاده کنند، لیاقت و کفایت لازم را برای چنین مسند خطیری ندارند.»

▼علیربعی

او هم در یکی از یادداشت‌هایش که در تاریخ ۱۲ تیر در روزنامه اعتماد چاپ شده است، به دو نکته پیرامون روزگار پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل اشاره می‌کند:

۱ ساده‌انگاری ممنوع: در جمله‌ای کوتاه پیام مهمی را مطرح می‌کند و می‌گوید که نباید داستان جنگی که پشت سر گذاشته‌شد را ساده‌انگاری کرد. او می‌نویسد: «داستان این چندروز، نباید با ساده‌انگاری در ذهن‌های آنان که وظیفه دارند، چنگ‌زنگ شود.»

۲ دوقطبی‌سازی را کنار بگذارید: سمت‌وسوی توصیه دومی که مطرح می‌کند به سمت برخی از فعالان سیاسی در کشور است. او می‌گوید که نشانه‌هایی از بازگشت به گذشته در برخی صداها به گوش می‌رسد و توصیه می‌کند که رفتارهای دوقطبی‌ساز در جامعه، برای بهبود وضعیت کنار گذاشته شود: «هنوز غبار آوارهای پس از انفجارها فرو ننشسته که صداهای ناموزن دوقطبی‌سازی، بلندتر و تلخ‌تر از صدای موشک‌ها جان وطن را می‌آزارد. هیچ چیز به جز مردم، نداشته و نخواهیم داشت. جامعه را تکه‌تکه و پاره‌پاره نخواهید. این همان خواسته و هدف اصلی متجاوزین کینه‌توز است و صدایش به همان نحسی پمب‌های سنگ‌رشکن است.»

▼راهکارها چیست؟

با بررسی صورت گرفته در راهکارهایی که از سوی این ۷ چهره سیاسی و اندیشمند درباره بهبود وضعیت ایران پس از دوره جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل ارائه شده است، راهکارهای ارائه‌شده را می‌توان اینگونه دسته‌بندی کرد:

۱ هر ۷ نفر روی یک محور تاکید دارند، اینکه با روش‌های گذشته نمی‌توان به راه ادامه داد و اگر تغییر صورت نگیرد، ادامه مسیر دشوارتر از قبل خواهد بود. پس به عبارتی می‌توان گفت همه آنها اصلاحات را امری ضروری دانسته‌اند.

۲ باز شدن فضا برای حضور همه ایرانیان و استفاده از تمام پتانسیل کشور برای بهبود وضعیت، نکته دوم قابل اشاره است. آنها به سیستم سیاسی کشور توصیه می‌کنند که باید در استفاده از نیروها سیاست تغییر کرده و فضا به گونه‌ای فراهم شود که ایران برای همه ایرانیان باشد و تبعیض و نگاه خودی و غیرخودی درباره ایرانیان از بین برود.

۳ کنار گذاشتن تدریوی‌های و رفتارهایی که جامعه را دوتکه می‌کند، نکته دیگر قابل اشاره‌ای است که توسط این چهره‌ها مطرح شده است. آنها می‌گویند که این نوع رفتارها به کشور آسیب زده و اگر تکرار شود، آسیب آن بیش از گذشته خواهد بود.

۴ این موضوع که سیستم سیاسی باید به مردم خود تکیه کند، موضوع بعدی است که در توصیه‌های صورت‌گرفته مشاهده می‌شود. آنها در توصیه‌های خود به سیستم سیاسی می‌گویند که نباید مردم را فراموش کرد و تنها در حالی می‌توان به بهبود وضعیت امیدوار بود که مردم حامی سیستم سیاسی باشند.

۵ یکی از محورهایی که در بین راهکارهای برخی از این چهره‌ها دیده می‌شود، این نکته است که برای تغییر باید ابتدا سراغ تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌های صداوسیما رفت. آنها به سیستم توصیه می‌کنند که هر چه سریع‌تر فکری به حال سیاست‌های تئدرانه صداوسیما داشته باشند و این سازمان را در مسیری قرار دهند که مسیر منافع ملی کشور باشد نه اینکه تبدیل به تربیون یک جریان سیاسی تندرو شود.

و باید در این مسیر حرکت کرد که شکاف ایجادشده بین مردم و حاکمیت پر شود. در یکی از تحلیل‌های خود، اینگونه می‌آورد: «برای رویارویی حکومت ایران با تجاوزات اسرائیل جانی، مهمترین اهرم قدرت حکومت، حمایت مردم ایران است. مردمی که در جنگ تحمیلی دوازده روزه، تمامی امید اسرائیل جنایت‌کار را ناامید کردند. مردم ایران بجای شورش علیه حکومت از تمامیت ایران و ایرانی در برابر تجاوز دشمن اسرائیلی حمایت کردند. حکومت ایران هر چه بیشتر شکاف میان مردم و حکومت را کم کند، ستون پایه دفاع ملی را در برابر اسرائیل تجاوز کار محکم‌تر کرده است.»

۴ فعال‌تر شدن دیپلماسی ایران: سیاست خار‌جی، یکی دیگر از موضوعاتی است که جلایی‌پور روی آن اشاره دارد و به حاکمیت توصیه می‌کند که باید به سمت فعال‌تر شدن دیپلماسی حرکت کرد: «به دیپلماسی فعال و ابتکاری جمهوری اسلامی برای خنثی‌سازی دشمن اسرائیلی نیاز است. دیپلماسی ایران موقعیت مناسبی دارد که محور هماهنگی میان دولت‌های کشورهای مسلمان در برابر خطر اسرائیل متجاوز بشود.»

۵ کنار گذاشتن دوقطبی‌ها: یکی دیگر از راهکارهایی که مورد اشاره قرار می‌دهد، این موضوع است که هم حاکمیت و هم جامعه باید تلاش کنند تا دیگر اسیر دوقطبی نشوند. او می‌نویسد: «شایسته است دولت و جامعه مدنی تلاش کنند دوقطبی شدن جامعه بار دیگر احیا یا تقویت نشود. چراکه ما ممکن است بار دیگر هم روزهای سختی در پیش داشته باشیم، زبیراتنازی‌ها وجود دارند و احتمال توطئه و تجاوز مجدد اسرائیل هم هست.»

▼نعمت‌الله‌فاضلی

هر چند در مقایسه با سایر چهره‌ها فعالیت کمتری داشته اما تحلیل کاملی را ارائه داد. او چهارم تیرماه یادداشتی را در کانال تلگرامی‌اش درباره دوره پس از جنگ منتشر کرد که در این یادداشت، به این محورها اشاره کرده بود:

۱ بگذارید همه زندگی کنند: اولین محوری که روی آن تاکید دارد، این است که سیستم باید تفاوت‌ها در جامعه را بپذیرد و دست از اجبار روی موضوع فرهنگ بردارد. او نوشته است: «تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی را به رسمیت بشناسید و دست از یکسان و همگن‌سازی فرهنگی بردارید. بگذارید همه با توجه به سلیقه خودشان زندگی کنندو لباس بپوشند...»

۲ بسیج همگانی با ایران: تغییر نگاه از امت‌گرایی محور دیگری است که توسط فاضلی به آن اشاره شده و توصیه کرده که با توجه به تجربه به‌دست‌آمده، ایران محور بسیج مردم است. در این ارتباط نوشته: «جنگ دوازده‌روزه نشان داد حتی حکومت تاگزیر است برای ایجاد انسجام ایران را مبنای تبلیغات رسانه‌ای و گفتن دفاعی‌اش قرار دهد. گفتمان امت‌گرایی توان بسیج همگانی مردم ما را ندارد. این نام ایران است که در موقع حادثه می‌تواند فریادرس باشد.»

۳ مدرنیته را قبول کنید: عدم تقابل با گفتمان مدرن و مدرنیته یکی دیگر از محورهایی است که این استاد

دانشگاه روی آن تاکید کرده و خطاب به سیستم حاکم بر جمهوری اسلامی نوشته است: «صلح پایدار زمانی ممکن می‌شود که گفتمان مدرن‌سستیزی و رویایی با مدرنیته پایان یابد. مردم، حتی دینداران، سرتاپا مدرن شده‌اند. همان‌طور که فرهنگ دینی را پذیرفته‌اید، فرهنگ مدرن را هم به رسمیت بشناسید. ارزش‌های مدرن را به رسمیت بشناسید.»

۴ الزام به پذیرش جامعه مدنی: تاکید روی جامعه مدنی، نقطه مهم دیگری است که فاضلی به آن اشاره کرده و در توصیه‌های خود نوشته است: «جامعه مدنی را بپذیرید و میدان عمل آن را باز کنید. حکومت بدون جامعه‌مدنی نیرومندمی‌تواند جامعه ایران را سامان دهد. همه چیز را حکومتی و دینی نبینید. جامعه مدنی، جامعه مستقل است. نماینده تک‌تک شهروندان است. بگذارید مردم جمع‌ها و نهادهای خودشان را بسازند و فعالیت کنند.»

۵ تغییر ضروری در صداوسیما: او هم مانند بسیاری از چهره‌ها می‌گوید که یکی از لوازم بهبود وضعیت کشور، تغییر در صداوسیما است. در ارتباط با الزام این تغییر، نوشته است: «چرخش گفتمانی را از رسانه‌های رسمی و صداوسیما آغاز کنید. اجازه دهید صداوسیما، صداوسیمای همه مردم باشد نه فقط حکومت. اجازه دهید صداوسیما آینه زندگی واقعی همه مردم با تفاوت‌های فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌شان شود.»

۶ ایران برای همه ایرانیان: او در آخرین راهکاری که ارائه می‌دهد، به سیستم سیاسی توصیه می‌کند به ماجراهای خودی و غیرخودی و تبعیض‌های موجود پایان دهد تا همه احساس این را داشته باشند که ایران برای آنهاست. او اینگونه نوشته است: «سیاست حامی‌پروری را کنار بگذارید و سیاست شهروندی را دنبال کنید. حقوق شهروندی را برای همه شهروندان در نظر بگیرید. دیگری‌سازی را پایان دهید و داستان خودی و غیرخودی و نخودی بودن را کنار بگذارید. نشان دهید ایران برای همه ایرانیان است.»

▼کیومرث‌اشرتیان

هشتم تیرما، با انتشار یادداشتی در روزنامه شرق نکاتی را پیرامون بهبود وضعیت کشور بیان می‌کند که بررسی این نکته‌ها، در چهار محور خلاصه می‌شود:



بررسی این یادداشت‌ها، می‌توان این راهکارها را استخراج کرد:

۱ باید تغییر منطق داد: پس از اعلام آتش‌بس، در یادداشتی که منتشر می‌کند به سیستم سیاسی توصیه می‌کند که باید منطقی‌که پیش از این درباره مردم داشته را تغییر دهد. او می‌نویسد: «نظام تنها به شرطی می‌تواند با همبستگی مدنی میان مردم نسبت برقرار کند که در وهله اول این وضعیت را به رسمیت بشناسد. از منطق «همه با من» دست بردارد. عمر این منطق به پایان رسیده است.»

۲ حرکت به سمت برابری: او به سیستم گوشزد می‌کند که گذشته چراغ راه آینده است و با درس گرفتن از تاریخ، باید در نوع نگاه به جهان تغییر ایجاد کرد. این موضوع را، اینگونه بیان می‌کند: «ایران گرایی به شرطی نو و زاینده زاینده خواهد شد که از گذشته درس بگیرد و دוגانه‌سازی‌های پیشین را تکرار نکند. ما ایرانیان جمعی از نوع بشریم. خیال نکنیم امت برگزیده و نورچشمی خدا و تاریخ بوده یا هستیم.»

۳ نظام در پناه مردم: مفصل‌ترین توضیحی که کاشی در تحلیل‌های نوشتاری خود درباره دوره پس‌اجنگ منتشر کرده، این محور است که نظام سیاسی باید در پناه مردم قرار بگیرد. او توصیه می‌کند که سیستم باید در این مسیر حرکت کند: «تنها مردم، تنها مردم‌اند که می‌توانند پناهگاه نظام مستقر از این مهلکه خطرناک باشند. می‌دانند و می‌دانیم صرف سکوت مردم در روزهای جنگ را نمی‌توان به حساب پشتیبانی و تمام مردم گذاشت. تنها می‌توان استنباط کرد با دشمن متجاوز همراهی نکرده‌اند. همین و بس.» البته در ادامه روی این موضوع تاکید می‌کند که تبدیل شدن مردم به پناهگاه نظام، یک پیش شرط مهم دارد؛ پیش‌شرطی که باید از سوی سیستم مورد تایید و قبول قرار بگیرد. به عبارتی، این استاد دانشگاه می‌گوید که ابتدا سیستم باید قدم اول را بردارد تا پس از آن وضعیت بهبود پیدا کند. او نوشته است: «تبدیل شدن مردم به پناهگاه نظام، به شرط چرخش‌هایی در نظر و پیامد آن چرخش‌هایی در عمل اتفاق خواهد افتاد. آنچه این چرخش نظری را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، معکوس شدن رابطه‌ای است که تاکنون فرض شده است. بنیاد نظام جمهوری اسلامی بر این باور مبتنی شد که مردم در پناه نظام‌اند. امنیت و آسایش خود را وامدار نظام‌اند و تحت هدایت و راهبری آن، به سعادت دنیوی و اخروی خواهند رسید. آنکه بیش از حد پرسش و مخالف‌خوانی می‌کند، باید تادیب شود. مردم انکار اعضاء یک اردوگاه بزرگ‌اند. همه باید مواظب رفتار و کردار خود باشند.» و در پایان این بخش، کاشی می‌نوسد که اگر سیستم چرخش کند و خود را در پناه مردم قرار دهد، بزرگترین دستاورد سیاسی به‌دست خواهد آمد: «اینک رابطه معکوس شده، این نظام است که به مردم پناه می‌آورد. نظام میهمان ضیافت مردم شده است. اگر نظام آداب پناه آوردن به مردم را رعایت کند، خود را حفظ می‌کند و مردم به بزرگ‌ترین دستاورد سیاسی طی یکصد و اندی سال گذشته خواهند رسید.»

۴ الزام در تغییر صداوسیما: در راستای الزام به چرخشی که در مورد چهارم به آن اشاره شد، یکی از کارهای مهمی که از سوی کاشی به آن اشاره شده است باید در صداوسیما تغییر ایجاد شود و بدون این تغییر، چرخشی صورت نخواهد گرفت: «باید دوربین‌ها پچرخند و صداوسیمای نظام، حتی الامکان آینه تمام‌نمای مردم شود.»

۵ اهمیت قضاوت مردم: اوپس از موضوع چرخش، از تغییر در نگاه سیستم درباره نوع ارتباط با مردم سخن می‌گوید و تاکید می‌کند که سیستم باید نگران قضاوت مردم باشد. او می‌نویسد: «حواس‌شان باشد، مردم نیستند که باید تحت نظر مدام قرار گیرند. متولیان امورند که تحت نظارت مردم‌اند. باید دلنگران قضاوت مردم باشند. اگر اعتراضی می‌شوند، ابتدا خود را مقصر بشناسند و برای جبران آن اقدام کنند. حتی اگر مقصر نباشند، تقصیر بپذیرند تا جبران مافات شود.»

▼حمیدرضا جلایی‌پور

در سه یادداشت به بررسی راهکارهای بهبود وضعیت پس از دوره جنگ پرداخته است که این یادداشت‌ها در تاریخ‌های ۱۴ و ۲۶ تیر در کانال تلگرامی راهبردی ۳۱ تیر در روزنامه ایران منتشر شد. بررسی این یادداشت، به دو محور منتهی می‌شود:

۱ صداوسیما باید تغییر کند: تاکید ویژه‌ای روی موضوع تغییر در سیاست‌ها و ساختار صداوسیما دارد. او می‌نویسد: «تغییر در مدیریت صداوسیما مثل نان شب است. با یک صداوسیمای حرفه‌ای و مردمی می‌شود در دل بحران با مردم حرف زد و مردم را در صحنه نگه داشت.» و همچنین در یادداشت دیگری اشاره می‌کند: «بدون اصلاح در سیاست‌های صداوسیما در صحبت با مردم نمی‌توان موفق بود یا شاهد بهبود رابطه دولت - ملت باشیم.»

۲ فضا را باز کنید: او در بخشی از یادداشت خود، این موضوع را مطرح می‌کند که برای بهبود وضعیت باید رفتار حاکمیت در باره شخصیت‌ها تغییر کند و زمینه برای حضور همه فراهم باشد و می‌نویسد: «محدودیت‌ها از شخصیت‌های ایران‌دوست و ضد‌دشمن برداشته شود.» در یکی دیگر از یادداشت‌هایش، در این ارتباط به موضوع بازگشت ایرانیان خارج از کشور را مطرح می‌کند: «حل مسائل باقی‌مانده یا تلاش برای فراهم کردن زمینه بازگشت ایرانیان خارج از کشور و اینکه ایرانیان خارج از کشور راحت بتوانند به ایران سفر کنند. همچنین دعوت از چهره‌های نمادینی که در خارج از کشور در جریان جنگ فعال بودند از دیگر ابزارهای مؤثر است.»

۳ مردم را فراموش نکنید: تاکید دارد که مهم‌ترین اهرم قدرتی که جمهوری اسلامی در اختیار دارد، مردم هستند

گفتار سیاستمدار



آمادگی برای گفت‌وگو با اپوزیسیون شعار است

غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و مدیرمسئول روزنامه هم‌پهن در گفت‌وگو با انصافیوز درباره انتخاب پزشکشان و مردمی که ناامید و پشیمان از این انتخاب هستند، گفت: «در هر انتخاباتی روش معقول این است که بین «گزینه‌های مطرح» و یا «عدم شرکت» بسنجیم که چه راهی برای کشور و مردم احتمالاً بهتر است. در سال ۱۴۰۳ حتماً گزینه «عدم شرکت» منتهی به انتخاب جلیلی می‌شد که سابقه عملکرد و اظهارات او در همان انتخابات مسیر فاجعه‌آمیز آینده او در مسئولیت ریاست جمهوری را نشان می‌داد. بین قلابیاف، پزشکیان و دیگر کاندیداها در صداقت، سوابق عملکردی و نیز آنچه در آن ایام مطرح می‌کردند با فاصله زیاد پزشکشان از دیگران بهتر بود. آنچه بعد از انتخابات پیش آمد که از همان آیه روشن تقال هنگام ورود به ساختمان ریاست جمهوری می‌شد حسن زد ترقیبی بود از کارشنکی‌های رقبا و ضربه‌های سهمگین خارجی‌ویاتوانی‌های ترکیب‌انتخابی پزشکشان. به نظر من از آنجا که همه‌ی بدخواهان ایران می‌دانند که تنها راه نجات کشور از اصلاحات تدریجی امور ویاری گرفتن از وفاق ملی و جلب نظر عموم ملت برای حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عبور می‌کند، از همان روز اول حمله‌ی خارجی‌با ترور اسماعیل هنیه شروع شد که برنامه‌ریزی دولت را به جای توجه به حل مسائل مردم مصروف برنامه‌های دفاعی کند.» وی در ادامه افزود: «کشاندن فضای عمومی از نشاط بعد از انتخابات و گفتن توسعه و سازندگی به سمت حرکات دفاعی و متعاقب آن برانگیخته شدن فضای امن و آرام کشور به سمت ترورها و تهاجمات بعدی تازد و خوردهای منتهی به جنگ و دفاع ۱۲ روزه کشور از دیگر نتایج آن بود. شاید اگر پزشکشان انتخاب نمی‌شد دشمنان ایران از شروع حرکت کشور به سمت توسعه و سازندگی و پر کردن شکاف‌های خطرناک بین ملت و دولت اینقدر احساس خطر نمی‌کردند که با ریسک‌پذیری زیاد و پذیرش این خسارات فراوان که ایران در مقام دفاع و بازدارنگی به آنها وارد کرد این تهاجم وحشیانه را شروع کنند. مشکلاتی که امروز دولت با آن درگیر است محصول سال‌ها فاصله گرفتن کشور از نگاه توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی و حاکم شدن شعارهای رویایی و سوق دادن سرمایه‌های انسانی، مالی و فیزیکی به سمت و سویی غیرسازنده و تحقق اهدافی غیرقابل تحقق است.» کرباسچی درباره سخن رئیس جمهوری که به «آمدگی‌برای گفت‌وگو با اپوزیسیون» اشاره داشته است، تصریح کرد: «متأسفانه بسیاری از سخنان آقای رئیس‌جمهور پس از انتخابات حالت شعاری دارد و با عملکرد بخش‌های مختلف حتی تحت نظر دولت هم سازگار نیست. در همین مسئله گفت‌وگو با اپوزیسیون از آن خالی‌بندی‌های تابلو است که خود ایشان هم می‌دانند. این شعار و سخنان چه نسبتی دارد با لایحه‌ای که در همین روزها یا قید دوفوریت به مجلس فرستاده‌اند و زبان و قلم افراد را در رسانه‌ها و فضای مجازی به بگیر و ببند تهدید می‌کند؟ یا رفتاری که وزارت اطلاعات و وزارت فرهنگ و ارشاد را همین رسانه‌های نیم‌بند و ضعیف داخلی دارد و دائماً به سانسور و بستن و فیلتر کردن و مجازات‌های دیگر تهدید می‌کنند.» او درباره این گزاره که «برخی معتقدند فرقی نمی‌کند که چه کسی رئیس‌جمهور شود» گفت: «من معتقدم که فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد. حتماً نقاط درخشانی در کارنامه دولت چه قبل از جنگ و چه در بحبوحه‌ی جنگ وجود دارد و می‌توان لیست بلندبالایی را از آنها تهیه کرد و واقعاً بررسی کرد که اگر رقبای پزشکشان انتخاب‌شده بودند در برابر این مسائل چه رفتاری داشتند. انتقادات ماناظر به تشویق دولت و دیگر دستگاه‌ها به عملکرد بهتر است و در مسائل اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی حتماً با این شرایطی که عملکرد افراطیون برای کشور ایجاد کرده‌اند و بدخواهان ایران هم از خارج با همه‌ی تلاش و چنگ و دندان ظاهر شده‌اند، نقاط درخشانی وجود دارد که قابل مقایسه با رفتار رقبادر شرایط بسیار مناسب‌تر نیست.» وی در ادامه افزود: «در میاحث سیاست خارجی که گفتار و شعار دولت در جهت حفظ آرامش روشن است که چقدر متفاوت از رجزخوانی‌های بی‌حاصل است. در سیاست داخلی هم همین که با خواسته‌های بخش عظیمی از مردم در مورد لایحه حجاب و سخت‌گیری‌های دیگر همراهی کرده‌اند یا در بخش‌های اقتصادی که بالاخره با همه‌ی تنگناها به سمت گشایش‌هایی حرکت می‌کنند و با مسائل و موارد دیگر عملکرد خیلی روشن است. اینکه مثلاً در مورد مسئله حصر که سال‌هایی توجهی دولت‌ها باعث نگرانی بخش عظیمی از نیروهای سیاسی و با‌انگیزه بود بالاخره دولت تلاش کرده و با هماهنگی دستگاه قضایی بخشی را حل کرد و به دنبال حل بخش دیگر است. من شنیده‌ام گشایش‌هایی برای ملاقات برخی دوستان با جناب‌مهندس موسوی عزیز در همین یکی دو روز حاصل شده است و نیز به دنبال حل مسائل برخی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستند و اینها جای امیدواری دارد.»